



بررسی رابطه سلامت روان، خودپنداره جنسی و نقش الگوهای ارتباطی با بی‌ثباتی ازدواج در زوجین

نازنین بنکدار مازندرانی^۱، فریبرز باقری^۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر، "بررسی رابطه سلامت روان، خودپنداره جنسی و نقش الگوهای ارتباطی با بی‌ثباتی در ازدواج" بود. روش این پژوهش از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و تحکیم خانواده در شهر تهران بود. بدین منظور ۲۶۰ نفر به صورت در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای این پژوهش شامل پرسشنامه‌های بی‌ثباتی ازدواج ادواردز، الگوهای ارتباطی کریستنسن و سالوی (CPQ)، سلامت روان گلدنبرگ (GHQ) و خودپنداره جنسی اسنل (MSSCQ) بوده است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش ضریب همبستگی پیرسون و از مدل معادلات ساختاری (تحلیل عاملی و تحلیل مسیر) استفاده شد. بر اساس یافته‌های پژوهش، سلامت روان، خودپنداره جنسی و نقش میانجی الگوهای ارتباطی پیش‌بینی‌کننده بی‌ثباتی ازدواج می‌باشند. و سلامت روان بصورت غیر مستقیم از طریق الگوی ارتباطی سازنده، پیش‌بینی‌کننده‌ی معناداری برای بی‌ثباتی در ازدواج می‌باشد و از بین مؤلفه‌های آن، اضطراب و بی‌خوابی همبستگی مثبت و معناداری با متغیر ملاک دارد. و همچنین الگوهای ارتباطی متوقع / کناره‌گیر و اجتنابی (ناکارآمد) همبستگی مثبت و معنادار دارند و الگوی ارتباطی سازنده همبستگی منفی با بی‌ثباتی ازدواج داشته‌اند. متغیر خودپنداره جنسی از طریق ضریب کل مسیری تواند پیش‌بینی‌کننده بی‌ثباتی ازدواج باشد و مؤلفه‌های آن با بی‌ثباتی ازدواج همبستگی منفی دارند.

کلیدواژه: سلامت روان، خودپنداره جنسی، الگوهای ارتباطی، بی‌ثباتی ازدواج

^۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Nazi_bonakdarm@yahoo.com

^۲. دانشیار گروه روانشناسی واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران F_bagheri@sribiau.ac.ir



مقدمه

بهداشت روانی جامعه، در گرو سلامت روابط زناشویی و تداوم و بقا ازدواج می‌باشد. هر گاه خطری در جامعه، ازدواج را تهدید نماید، سلامت فیزیکی و عاطفی اعضای جامعه و نهایتاً بهداشت روانی جامعه به خطر می‌افتد. ازدواج و رابطه زناشویی منبع حمایت، صمیمیت و لذت است. عوامل گوناگونی چون سلامت روان^۱، عوامل شخصیتی و تجارب کودکی نقش بسزایی را در برقراری الگوهای مناسب ارتباطی، روابط صمیمانه و جنسی و ایجاد عشق و تفاهم در زوج‌ها ایفا می‌کند و همین امر به نوبه خود در ثبات ازدواج بسیار مؤثر است. در مقابل ثبات زناشویی، بی‌ثباتی قرار دارد. در واقع زمانی که یک عضو از زوج‌ها یا هر دو عضو زوج درباره جدایی می‌اندیشند یا اعمالی را که گرایش به اتمام ازدواج دارند را انجام می‌دهند، بی‌ثباتی ازدواج مطرح می‌شود که از عوامل درون فردی و بین فردی نشأت می‌گیرد. به نظر می‌رسد در دنیای معاصر ساختار ازدواج در خطر بی‌ثباتی است (ولفینگر^۲، ۲۰۱۵). به عبارتی این مفهوم، وضعیت زوج‌هایی را توصیف می‌کند که تحت تأثیر عواملی چون سلامت روان، خودپنداره جنسی و الگوهای ارتباطی متفاوتی هستند و ازدواجشان در موقعیتی خطرناک و نامتعادل قرار گرفته است و فاصله چندانی با طلاق ندارند و زن یا مرد به طلاق می‌اندیشد. ازدواج برای ماندن و ادامه دادن نیاز به تلاش هر دو طرف دارد. ازدواج می‌تواند به طور برابری؛ هم سعادت و برکت باشد و هم حلقه یا زنجیری بسته باشد که این به مواردی که علت آن است، بستگی دارد. ازدواج وابسته به آیتم‌های منطقی است که باعث موفقیت می‌شود مانند: اعتماد، عشق، زمان، دوستی، درک، صداقت و وفاداری و بالاتر از همه ارتباطات مؤثر است. بسیاری از زوج‌ها مشکلات زیادی مرتبط با سلامت روان، عدم الگوی ارتباطی^۳ مؤثر و ناسازگاری جنسی از جمله عدم شناخت خودپنداره جنسی^۴ خود را تجربه کرده‌اند که ممکن است موجب بی‌ثباتی زناشویی شود. می‌توان گفت که بحران‌های ازدواج که شامل اشتباهات زوجین مخصوصاً در زوج‌ها جوان و تازه ازدواج کرده بیشتر اتفاق می‌افتد و مبنای بسیاری از متغیرها مانند: فقدان درک، الگوی ارتباطی نامناسب، عدم تعهد، تفکر غیرمنطقی و... است (ایسر، آکانی و ایرولاه^۵، ۲۰۱۷).

در سال‌های اخیر مشکلات و تعارضات زناشویی به طور فزاینده‌ای در میان آثار منتشر شده در حوزه ازدواج، وضعیتی ویژه کسب کرده است (کریستنسن^۶، ۲۰۱۷). پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهد که تعهد زناشویی با بی‌ثباتی ازدواج رابطه منفی و معناداری دارد و بدین منظور با افزایش تعهد زناشویی، بی‌ثباتی ازدواج کاهش می‌یابد یا برعکس (زاهد پاکدل، ۱۳۹۴). سلامت روان یکی از متغیرهایی است که در بی‌ثباتی ازدواج تأثیر می‌گذارد. سلامت روان را می‌توان براساس تعریف کلی و وسیع‌تر تندرستی تعریف کرد. طی قرن گذشته ادراک ما از تن درستی به طور گسترده‌ای تغییر یافته است. سلامت نه تنها بیانگر نبود بیماری است، بلکه توان دست‌یابی به سطح بالای تندرستی را نیز معنی می‌دهد. چنین مفهومی نیازمند تعادل در همه ابعاد زندگی فرد از نظر جسمانی، عقلانی، اجتماعی، شغلی، و معنوی است. این ابعاد در رابطه متقابل با یکدیگرند، به طوری که هر فرد از دیگران و از محیط تأثیر می‌گیرد و در آن‌ها تأثیر می‌گذارد (زمانی، حبیبی و درویشی^۷، ۲۰۱۵).

گلدنبرگ (۱۹۸۸) سلامت روانی را به چهار دسته تقسیم کرده است که عبارت‌اند از: نشانه‌های جسمانی^۸، سلامت جسمانی دال بر عمل نرمال بدن است که سلامت زیست‌شناختی را در نظر می‌آورد. نشانه‌های سلامت جسمی در یک فرد در پوست، چشم، مو، کارکردهای خواب، فعالیت منظم روده‌ها و حرکات بدنی هماهنگ و راحت نمود می‌یابد. اضطراب و بی‌خوابی^۹،

¹ Mental Health

² Wolfinger

³ Communication patterns

⁴ Sexual self-concept

⁵ Esere, Akani & Iruloh

⁶ Christensen

⁷ Zamani, Habibi & Darvishi

⁸ Somatic symptoms

⁹ Anxiety & sleep Disorder



هیجان ناخوشایندی است که با دل‌نگرانی و دلشوره، وحشت و ترس بیان می‌شود. انسان‌ها غالباً در روبرو شدن با موقعیت‌های تهدید آمیز یا تنش‌زا احساس اضطراب و تنش می‌کنند. این گونه احساسات واکنش‌هایی بهنجار در برابر فشار روانی به شمار می‌آید. کارکرد اجتماعی^۱، طرز فکر در ارتباط با یک کارکرد اجتماعی در اجتماع و در ارتباط با افراد دیگر است. علائم افسردگی^۲، نوع اختلال خلقی که دو مشخصه عمده آن ناامیدی و غمگینی است و در آن فرد علاوه بر این دو مشخصه احساس احساس بی‌کفایتی می‌کند (اسدی، نظری، شکویی و همکاران، ۱۳۹۳). بروز نشانه‌های خفیف افسردگی، در واقع پاسخ طبیعی انسان‌ها به فشارهای متعدد زندگی است. عدم موفقیت در تحصیل یا کار از جمله موقعیت‌هایی هستند که اغلب باعث افسردگی می‌شود. افسردگی و اضطراب از شایع‌ترین بیماری‌های روانی محسوب می‌شوند. افسردگی اختلالی است که منجر به تغییراتی در خلق، افکار، رفتار و فعالیت فیزیکی فرد می‌گردد. این اختلال توانایی فرد برای لذت بردن از زندگی را کاهش می‌دهد و ظرفیت فرد برای عهده دار شدن ساده‌ترین تکالیف روزمره را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد (بشارت، فرهمند و ابراهیمی، ۱۳۹۹). با توجه به پژوهشی که با هدف ارزیابی ارتباط بین سلامت روان و رضایت زناشویی در دانشجویان مرد متأهل صورت گرفته است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین رضایت زناشویی دانشجویان و علائم جسمی، اضطراب، عملکرد اجتماعی، افسردگی است (ریاحی، خاجدین و ایزدی،^۳ ۲۰۱۷). در پژوهش دیگری که با هدف انجام مقایسه ویژگی‌های شخصیتی، سلامت‌روان بارضایت زناشویی زوجین مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره نیروی انتظامی فارس انجام شده بود. بین ویژگی‌های شخصیتی در زنان و مردان تفاوت معنی‌داری وجود دارد. و همچنین بین سلامت روان زنان و مردان و بین رضایت زناشویی تفاوت معنی‌داری در دو گروه زنان و مردان وجود داشت. همچنین بین رضایت زناشویی و ویژگی‌های شخصیتی و سلامت روان همبستگی معناداری وجود داشت. (ایزدی، ۱۳۹۱).

با توجه به تأثیر متغیر سلامت روان به عنوان متغیر پیش بین متغیر دیگری که تأثیرگذار بر بی‌ثباتی ازدواج هست خودپنداره جنسی زوجین است. هر رفتاری می‌تواند جزیی از خودپنداره شخص شود. اما عزت نفس ارزیابی اطلاعات تشکیل دهنده خودپنداره است و از احساسات فرد در مورد خود و اینکه چه احساسی نسبت به آن دارد و همچنین به چگونگی ارزیابی آن باز می‌گردد. ابعاد خودپنداره شامل: (۱) توانایی و قابلیت‌های بدنی (۲) خصوصیت‌ها و ویژگی‌های بدنی (۳) رابطه با همسالان (۴) رابطه با والدین (۵) خودپنداره کلامی است. همانگونه که بیان شد یکی از ابعاد خودپنداره‌ها، خصوصیات و ویژگی‌های بدنی می‌باشد که می‌توان خودپنداره جنسی را جزء این بعد از خودپنداره دانست (بث، جولیان، آنتونی^۴ و همکاران، ۲۰۱۰). در دنیای اطلاعات و ارتباطات امروز، که پیشرفت تکنولوژی هر لحظه انسان‌های جوامع و فرهنگ‌های مختلف را به یکدیگر نزدیک می‌کند، خواسته‌های بیشتر و جدی‌تر شده و رفاه، آزادی، آرامش، لذت و تنوع اهمیت بیشتری پیدا نموده‌اند. رابطه جنسی زوجین می‌تواند، تحت تاثیر عوامل مختلفی قرار گیرد که یکی از آن‌ها خودپنداره جنسی می‌باشد. متأسفانه امروزه مشکلات جنسی بسیار شایع هستند و می‌توانند به طور مستقیم و غیرمستقیم بر بسیاری از جنبه‌های زندگی زوجین تاثیر بگذارند (شاهوری، قلی‌زاده و حسینی^۵، ۲۰۱۰). طبق پژوهش انجام شده از بین مؤلفه‌های خودپنداره جنسی، ۴ مؤلفه انتخاب شدند که بیشتر از لحاظ روانی حائز اهمیت هستند. خودکارآمدی جنسی^۶، باور یک فرد در مورد توانایی رسیدگی مؤثر مؤثر بر جنبه‌های جنسی زندگی است. هوشیاری جنسی^۷، گرایش یک فرد به تفکر و عکس‌العمل نشان دادن در مورد تمایلات جنسی طبیعی خودش می‌باشد. عزت نفس جنسی^۸، گرایش فرد در مثبت ارزیابی کردن توانایی‌های جنسی و

¹ Social Function

² Depression Symptom

³ Riahi, Khajedin & Izadi

⁴ Beth, Julian & Anthoni

⁵ Shahvary, Gholizade & Hoseini

⁶ Sexual self-efficacy

⁷ Sexual consciousness

⁸ Sexual esteem



داشتن رفتارهای جنسی سالم و تجربیات جنسی رضایت بخش و لذت بخش است. طرحواره جنسی^۱، چارچوب شناختی هر فرد که فرآیندهای شناختی وی در مورد جنبه‌های جنسی زندگی را هدایت کرده و ارگانیزه می‌کند (رمضانی، قائم مقامی و طلاکار، ۱۳۹۱).

در پژوهشی با عنوان بررسی خودپنداره جنسی، الگوهای ارتباطی و رضایت جنسی و با هدف رضایت زنان در روابط جنسی آن‌ها با همسرشان انجام شد. این مطالعه یک روش دو مرحله‌ای بود. که مرحله اول شامل ۳۰ مصاحبه به صورت حضوری با زنان دانشجو ۱۸ تا ۲۵ سال بود. و مرحله دوم که در ترم پایانی انجام شد شامل اندازه‌گیری کمی بررسی خودپنداره جنسی، الگوهای ارتباطی و رضایتمندی جنسی بود. بخش کمی این مطالعه نشان داد که خودپنداره جنسی به طور مستقیم با الگوهای ارتباطی و رضایت جنسی تأثیر دارد. ارتباط با همسر با اختلافات پایین تر بین تقاضا و فعالیت های جنسی تجربه شده مرتبط بود. تعهد همسر، ارتباط با همسر رابطه مستقیمی با رضایت جنسی بالاتری دارد هیدر و بلانت^۲ (۲۰۱۳). در پژوهشی بین صمیمت زناشویی و ابعاد خودپنداره جنسی از قبیل طرحواره جنسی، هوشیاری جنسی و اضطراب جنسی رابطه معناداری وجود دارد و همین امر خطر بی‌ثباتی ازدواج را افزایش می‌دهد (هوشمند، ۱۳۹۴).

سلامت روان و خودپنداره جنسی پیشابندی برای بی‌ثباتی ازدواج هستند ولی الگوی ارتباطی یک عامل مهم و به عنوان متغیر میانجی در بی‌ثبات ازدواج نقش حیاتی ایفا می‌کند. کانال‌های ارتباطی که از طریق آن‌ها زن و شوهر با یکدیگر به تعامل می‌پردازند به آن دسته از کانال‌های ارتباطی که به وفور در یک خانواده اتفاق می‌افتد، الگوی ارتباطی گفته می‌شود. انسان موجودی است که ارتباط و تعامل با دیگران یکی از نیازهای اساسی اوست. ارتباط انگاره‌ای است که دو نفر یکدیگر را می‌سنجند و شامل راه‌های رد و بدل کردن اطلاعات بین مردم و نحوه‌ی معنا و مفهوم بخشیدن به این اطلاعات است (ستیر^۳، ستیر^۴، ۲۰۱۲). الگوهای ارتباطی شامل: الگوی ارتباطی سازنده متقابل^۴، نوعی الگوی ارتباطی است که در طی آن زن و شوهر شوهر سعی می‌کنند در مورد مشکل ارتباطی خود بحث و گفتگو کنند، احساساتشان را نسبت به هم ابراز نمایند و برای مشکل ارتباطی پیشنهاد راه حل و مذاکره بدهند. در این الگو هر دو زوج احساس می‌کنند که همدیگر را درک کرده‌اند. الگوی ارتباطی اجتناب متقابل^۵، نوعی الگوی ارتباطی ناکارآمد است که در آن زوجین سعی می‌کنند از بحث کردن درباره مشکل دوری گزینند. مقدار عددی این الگوی ارتباطی با میزان فراوانی وقوع آن برای هر زوج توسط پرسشنامه الگوهای ارتباطی اندازه‌گیری می‌شود. الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیری^۶، نوعی الگوی ارتباطی ناکارآمد است که طی آن یکی از زوجین سعی می‌کند به وسیله انتقاد کردن، غر زدن و یا پیشنهاد تغییر دادن، دیگری را وارد بحث درباره مشکل نماید، در حالیکه دیگری سعی می‌کند بحث را تمام کند، به وسیله تغییر دادن موضوع بحث از آن اجتناب کند، ساکت باقی بماند یا حتی مکان را ترک کند. برای یک ازدواج رضایت بخش، زن و شوهر نیازمند برقراری ارتباطی مؤثر و کارآمد هستند. اهمیت ارتباط به قدری است که سنگ زیر بنای بهزیستی کلی خانواده عنوان شده است. به طوری که الگوهای ارتباطی آشفته بر سلامت روان زوج اثر چشمگیری دارد (شیفرت و شوارد^۷، ۲۰۱۱). تحقیقات انجام شده توسط برنز^۸ (۲۰۰۹)، نشان می‌دهد که همسرانی که به الگوهای ارتباطی منفی عادت کرده‌اند به عنوان سبک دلبستگی ناایمن شناخته شده‌اند. آن‌ها برای حفظ مهارت‌های زناشویی نسبت به زوج‌های ایمن و آشنا به الگوهای ارتباطی سازنده، دفاع منفی می‌کنند (دیلمی و آیشاه حسن^۹، ۲۰۱۷). ساکمار^{۱۰}

¹ Sexual schema

² Heather & Blunt

³ Settler

⁴ Constructive Communicative Patterns Couples

⁵ avoidance pattern couple

⁶ The pattern of demand/ withdraw couple

⁷ Shiffert & Schwarz

⁸ Brenz

⁹ Aishah Hassan

¹⁰ Sakmar



(۲۰۱۰)، در پژوهش خود بیان کرد دارا بودن زوجین از سطح پایین‌تر ارتباط مخرب و سطح بالاتر ارتباط سازنده و رضایت جنسی با رضایت از رابطه بیشتر در تمام وضعیت‌های ارتباطی همبسته هستند. در پژوهشی درباره اینکه آیا ارتباطات زوجین رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کند؟ یا رضایت زناشویی نوع ارتباطات زوجین را پیش‌بینی می‌کند؟ نشان دادند که مهارت‌های ارتباطی زوجین به عنوان یک کلید پیش‌بین رضایت زناشویی است. اهمیت حیاتی روابط اغلب در مطالعات مقطعی و طولی، رضایت زناشویی بعدی را پیش‌بینی می‌کند. تعارض زناشویی به عنوان پیامدی از الگوهای ارتباطی ضعیف است، زیرا روابط ضعیف ریشه آشفتگی زناشویی است (لاوینر، کارنی و برادبری^۱، ۲۰۱۶). پژوهشی را با عنوان شباهت استانداردهای رابطه الگوهای ارتباطی زوجین و رضایت زناشویی در میان زوجین چینی انجام دادند. نتایج نشان داد که شباهت استانداردهای رابطه زوج‌های واقعی به طور معناداری بیش از جمعیت زن و مردهایی بود که به طور تصادفی با یکدیگر قرار گرفته بودند. یافته‌ها نشان دادند که استانداردهای چگونه بودن یک رابطه می‌تواند رضایت زناشویی زوجی را به طور غیر مستقیم تحت تاثیر قرار دهد (پی لیان، نورمن، فنگ^۲ و همکاران، ۲۰۱۳). از بین مشکلات زیادی که زوجین را به کلینیک‌های کلینیک‌های مشاوره و تحکیم خانواده می‌کشاند می‌توان یکی از آن مشکلات، این باشد که سلامت روان فرد و عدم آگاهی از خودپنداره جنسی (خودکارآمدی جنسی، هوشیاری جنسی، عزت نفس جنسی، طرحواره جنسی) می‌تواند باعث افزایش بی‌ثباتی در ازدواج شود. و میزان تاثیر سلامت روان و خودپنداره جنسی بر الگوهای ارتباطی چقدر هست و چقدر می‌تواند پیش‌بینی کننده بی‌ثباتی ازدواج باشد. فرضیه‌های این پژوهش به این شرح آزمون می‌شوند:

- ۱) سلامت‌روان بصورت مستقیم و معنادار بی‌ثباتی در ازدواج را پیش‌بینی می‌کند.
- ۲) خودپنداره جنسی بصورت مستقیم و معنادار بی‌ثباتی در ازدواج را پیش‌بینی می‌کند.
- ۳) الگوهای ارتباطی بصورت مستقیم و معنادار بی‌ثباتی در ازدواج را پیش‌بینی می‌کند.
- ۴) الگوهای ارتباطی رابطه بین سلامت‌روان و بی‌ثباتی در ازدواج را میانجیگری می‌کند.
- ۵) الگوهای ارتباطی رابطه بین خودپنداره جنسی و بی‌ثباتی در ازدواج را میانجیگری می‌کند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی است. در این پژوهش با توجه به موضوع وهدف، از روش نمونه‌گیری دردسترس استفاده شده است. در ابتدا لیستی از مراکز مشاوره و تحکیم خانواده تهیه شد، که حدود ۱۱۰ مرکز بوده است و از بین این مراکز، تعداد ۲۵ مرکز با توجه به همکاری با محقق انتخاب شده است. جامعه آماری شامل زوجینی است که به مراکز مشاوره و تحکیم خانواده در شهر تهران مراجعه کردند. تعداد متغیرهای پژوهش با توجه به روش معادلات ساختاری و تحلیل عاملی و با در نظر گرفتن فرمول کلاین، حجم نمونه به ازای هر متغیر پیش‌بین ۴۰-۲۰ نفر تعیین شد و حداقل تعداد نمونه این پژوهش ۲۴۰ نمونه برآورد شده است. اما برای بالا بردن سطح اعتبار بیرونی و بررسی تأثیرات کلی ۲۶۰ نفر (۱۳۰ زوج) انتخاب شدند. ابزار پژوهش به شرح زیر است:

پرسشنامه سلامت عمومی گلدنبرگ (GHQ)^۳: فرم ۲۸ سؤالی پرسشنامه‌ی سلامت عمومی توسط گلدنبرگ و هیلیر (۱۹۷۹) بر اساس تحلیل عوامل بر روی فرم اصلی ساخته شد و شامل چهار مقیاس ۷ سؤالی (علائم جسمانی، اضطراب و بی‌خوابی، افسردگی و اختلال در کارکرد اجتماعی) است. شیوه‌ی نمره‌گذاری این پرسشنامه به صورت یک مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت از ۰ تا ۳ نمره‌گذاری می‌گردد و نمره‌ی بالا در این پرسشنامه نشانه‌ی مشکل در سلامت روان است. گلدنبرگ و هیلیر^۴ (۱۹۷۹) همبستگی پرسشنامه‌ی مذکور را با فهرست ۹۰ علامتی تجدیدنظر شده درآگوتیس (۱۹۷۶) ۷۸ درصد بیان

¹ Lavners Karney, & Bradbury,

² Pilian, Norman & Fang

³ General Health Questionnaire(GHQ-28)

⁴ Goldberg & Hiller

کرده اند. اعتبار آن توسط ویلیام گلدبرگ و مارسی (۱۹۸۹)، برابر با ۸۴ درصد گزارش شده و روایی آن ۷۸ درصد گزارش شده است (مرتضوی، ۱۳۸۸). ودر پژوهش حاضر آلفای کرونباخ ۰/۷۴ می باشد که نشان دهنده پایایی عالی سؤالات است. پرسشنامه خودپنداره جنسی (MSSCQ)^۱: این پرسشنامه توسط اسنل در سال ۱۹۹۰ طراحی استاندارد شده است. این پرسشنامه ۱۰۰ سؤال دارد و ۲۰ خرده مقیاس، که می توان گفت کاملترین پرسشنامه در ارزیابی خودپنداره جنسی می باشد. آزمودنی به هر سؤال بر اساس مقیاس A، B، C، D، E پاسخ می دهد. طریقه نمره گذاری خودپنداره جنسی بر این اساس $A=0, B=1, C=2, D=3, E=4$ است. در پژوهش حاضر از بین ۲۰ خرده مقیاس ۴ خرده مقیاس: خودکارآمدی جنسی، هوشیاری جنسی، عزت نفس جنسی و خود طرحواره جنسی انتخاب شدند و مبنای آن بر اساس نزدیک بودن به جنبه روانی آیتم ها بود. رضانی، قائم مقامی، طلاکار و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود در قدم اول تحلیل پایایی به کمک آلفای کرونباخ انجام شد. آلفای ۰/۸۹ با فاصله اطمینان ۹۵ درصد بین ۰/۸۵ تا ۰/۹۲۳ بدست آمد. در این پژوهش میانگین آلفای کرونباخ ۰/۶۵۵ است.

پرسشنامه الگوی ارتباطی (CPQ)^۲: این پرسشنامه در سال ۱۹۸۴ توسط کریستنسن و سالوی در دانشگاه کالیفرنیا ساخته شد و در ایران در سال ۱۳۷۹ توسط عبادت پور، ترجمه و هنجاریابی گردید. پرسشنامه شامل ۳۵ سؤال است که دارای طیف لیکرت ۹ درجه ای می باشد. زوجین هر رفتار را روی یک مقیاس ۹ درجه ای لیکرت که از ۱ (اصلاً امکان ندارد) تا ۹ (خیلی امکان دارد) تنظیم شده، درجه بندی می کنند. بعضی از این رفتارها عبارتند از اجتناب متقابل، بحث متقابل، بحث اجتناب، مذاکره متقابل، خشونت کلامی، خشونت جسمانی و کناره گیری متقابل. CPQ از سه خرده مقیاس تشکیل شده است: ارتباط توقع / کناره گیری، ارتباط سازنده متقابل و ارتباط اجتناب متقابل. عبادت پور (۱۳۷۹) ضریب آلفای کرونباخ را برای الگوی ارتباط سازنده متقابل (پنج سوالی) ۰/۷۰، ارتباط اجتناب متقابل ۰/۷۱، ارتباط توقع / کناره گیر ۰/۶۶، زن متوقع / کناره گیر مرد ۰/۵۱ و مرد متوقع / زن کناره گیر ۰/۵۲ برآورد نموده است و به منظور روایی پرسشنامه، همبستگی میان این دو پرسشنامه و پرسشنامه رضایت زناشویی را به دست آورده است که نتایج نشان می دهد همه ی زیر مقیاس های پرسشنامه با رضایت زناشویی همبستگی دارد. در این پژوهش میانگین آلفای کرونباخ برابر است با ۰/۶۲۹. که دارای پایایی مناسب و خوبی است.

پرسشنامه بی ثباتی ازدواج (MIQ)^۳: یک ابزار ۱۴ سؤالی است که برای اندازه گیری عدم ثبات ازدواج زناشویی توسط ادواردز، جانسون و بوث (۱۹۸۷) تدوین شده است. این آزمون اولین بار در سال ۱۹۸۰ برای ۲۰۳۴ زن و مرد متاهل زیر ۵۵ سال و همچنین برای ۱۵۷۸ زن و مرد متاهل در سال ۱۹۸۳ به کار گرفته شده است. روایی این مقیاس در پژوهش های متعددی مورد سنجش و تایید قرار گرفته است. و همبستگی مثبت آن با مقیاس های مربوط به مشکلات و اختلافات زناشویی و همبستگی منفی آن با مقیاس های مربوط به تعامل و رضایت زناشویی همبستگی مورد تایید قرار گرفته است. در ایران نیز، یاری پور (۱۳۷۹)، برای محاسبه ضریب اعتبار این ابزار از روش همبستگی بین دونیمه برای ارزیابی قابلیت اعتبار آزمون استفاده کرد و ضریب اعتبار را ۰/۷۰ گزارش نمود. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ بی ثباتی ازدواج ۰/۸۳۶ است. به منظور اجرای پژوهش، ابتدا مجوزهای مربوطه اخذ و هماهنگی های لازم با مسؤلین انجام شد. در روش اجرا، در نمونه اصلی ابتدا با آزمودنی ها ارتباط برقرار شد و پس از کاهش حساسیت آزمودنی ها راجع به پرکردن پرسشنامه ها و دلایل انتخاب آن ها در نمونه همکاری، رضایت آنها جلب شد. هدف کلی از پژوهش و نکات، قواعد و همچنین نحوه تکمیل پرسشنامه ها به گروه نمونه توضیح داده شد. تاکید بر محرمانه بودن محتوی و اطلاعات فردی آن ها، تمامی شرکت کنندگان آگاهانه و با رضایت کامل وارد فرآیند پژوهش شدند.

¹ Multidimensional Sexual self-concept Questionnaire (MSSCQ)

² Communicational Patterns Questionnaire

³ Marital Instability Questionnaire (MIQ)



یافته‌های پژوهش

در این پژوهش با ارائه آماره‌های توصیفی، از ۲۶۰ نفر از آزمودنی‌ها که شامل ۱۳۰ زوج بودند، حدود کمتر از ۱۲ درصد از نمونه آماری دیپلم، ۳۸/۸۵ درصد لیسانس، ۳۶/۹۲ درصد فوق لیسانس و ۱۲/۶۹ درصد از آنها دکتری هستند. بیشترین درصد پاسخگویان سنی مابین ۲۵ تا ۳۵ داشته‌اند و در عین حال کمترین میزان پاسخگویی مربوط به سنین بیشتر از ۴۵ سال بوده است. توزیع جنسیتی بین نمونه پاسخ دهنده به سوالات تقریباً برابر بوده است. و هر دوی جنسیت‌ها ۵۰ درصد پاسخ‌ها را تشکیل داده بوده است. که با توجه به اینکه بین زوجها پرسشنامه‌ها توزیع شده‌اند طبیعی است. در تحقیق حاضر رابطه ازدواج شان بین ۳ تا ۴ سال عمر داشته است و بیش از ۱۲ درصد پاسخ دهندگان بیش از ۵ سال است که در رابطه بوده‌اند. برای بررسی همبستگی میان متغیرهای تحقیق، آزمون ضریب همبستگی پیرسون بکار رفته است که با استفاده از نرم افزار SPSS22^۱ انجام شد. برای بررسی مدل پیشنهادی نیز از روش مدلسازی معادلات ساختاری به کمک نرم افزار AMOS18^۲ استفاده شده است.

جدول ۱ علاوه بر میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش ضرایب آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد که براساس آن ضرایب آلفای کرونباخ همه مؤلفه‌ها و متغیرها نزدیک به ۰/۷ یا بالاتر از آن است. این یافته بیانگر آن است که پرسشنامه‌های به کار گرفته شده برای سنجش متغیرهای پژوهش حاضر از همسانی درونی قابل قبولی برخوردار است.

جدول ۱- میانگین، انحراف استاندارد و ضریب آلفای کرونباخ مؤلفه‌های سلامت روان، خودپنداره جنسی، الگوی ارتباطی و بی‌ثباتی در ازدواج

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	آلفای کرونباخ
سلامت روان - علائم جسمانی	۷/۱۱	۲/۰۳	۰/۷۱۵
سلامت روان - اضطراب و اختلال خواب	۸/۳۷	۱/۷۷	۰/۷۴۳
سلامت روان - کارکرد اجتماعی	۸/۶۳	۱/۸۷	۰/۷۶۰
سلامت روان - افسردگی	۶/۳۱	۲/۱۴	۰/۷۴۵
خودپنداره جنسی - خودکارآمدی	۱۰/۴۹	۳/۰۲	۰/۶۷۰
خودپنداره جنسی - هشاری	۱۱/۵۵	۲/۶۸	۰/۶۹۲
خودپنداره جنسی - عزت نفس	۱۰/۸۲	۲/۸۳	۰/۶۳۹
خودپنداره جنسی - طرحواره	۹/۴۸	۳/۶۲	۰/۶۲۱
الگوی ارتباطی - کناره گیری / توقع	۳۳/۱۷	۳/۴۱	۰/۶۱۹
الگوی ارتباطی - اجتناب متقابل	۱۵/۹۶	۲/۹۹	۰/۶۵۷
الگوی ارتباطی - ارتباط سازنده	۱۵/۵۰	۲/۶۹	۰/۶۰۳
بی‌ثباتی در ازدواج	۴۷/۷۴	۳/۵۸	۰/۸۳۶

^۱ Statistical Package For the Social Sciences

^۲ Analysis of Moment Structures



جدول ۲ ماتریس متغیرهای پژوهش جدول

متغیرهای تحقیق	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱
۱. سلامت روان - علائم جسمانی	-											
۲. سلامت روان - اضطراب و اختلال خواب	۰/۵۴۵ ^{**}	-										
۳. سلامت روان - کارکرد اجتماعی	۰/۲۷۱ ^{**}	۰/۵۰۳ ^{**}	-									
۴. سلامت روان - افسردگی	۰/۳۴۰ ^{**}	۰/۴۸۱ ^{**}	۰/۴۴۷ ^{**}	-								
۵. خودپنداره جنسی - خودکارآمدی	۰/۱۶۴ ^{**}	۰/۱۸۲ ^{**}	۰/۱۸۸ ^{**}	۰/۱۷۷ ^{**}	-							
۶. خودپنداره جنسی - هشیاری	۰/۱۸۲ ^{**}	۰/۱۷۴ ^{**}	۰/۲۶۵ ^{**}	۰/۱۳۷ ^{**}	۰/۵۰۰ ^{**}	-						
۷. خودپنداره جنسی - عزت نفس	۰/۲۲۸ ^{**}	۰/۱۰۱	۰/۰۸۹	۰/۲۴۳ ^{**}	۰/۵۴۰ ^{**}	۰/۵۳۸ ^{**}	-					
۸. خودپنداره جنسی - طرحواره	۰/۱۰۴	۰/۲۱۷ ^{**}	۰/۱۴۵ ^{**}	۰/۱۲۱	۰/۵۷۸ ^{**}	۰/۳۷۷ ^{**}	۰/۵۱۲ ^{**}	-				
۹. الگوی ارتباطی - کناره گیری/توقع	۰/۰۷۴	۰/۱۷۱ ^{**}	۰/۰۹۶	۰/۰۸۶	۰/۳۶۳ ^{**}	۰/۲۲۰ ^{**}	۰/۲۳۹ ^{**}	۰/۲۴۳ ^{**}	-			
۱۰. الگوی ارتباطی - اجتناب متقابل	۰/۰۰۲	۰/۱۴۱ ^{**}	۰/۱۹۰ ^{**}	۰/۰۶۷	۰/۲۶۲ ^{**}	۰/۲۷۸ ^{**}	۰/۲۱۱ ^{**}	۰/۳۷۵ ^{**}	۰/۳۴۱ ^{**}	-		
۱۱. الگوی ارتباطی - ارتباط سازنده	۰/۰۲۴	۰/۱۷۷ ^{**}	۰/۱۱۹	۰/۱۱۲	۰/۲۴۵ ^{**}	۰/۲۴۵ ^{**}	۰/۱۹۸ ^{**}	۰/۳۴۵ ^{**}	۰/۲۵۴ ^{**}	۰/۴۴۲ ^{**}	-	
۱۲. بی ثباتی در ازدواج	۰/۱۱۵	۰/۲۰۹ ^{**}	۰/۰۹۵	۰/۰۰۸	۰/۲۱۳ ^{**}	۰/۱۴۰ ^{**}	۰/۱۱۰	۰/۱۹۳ ^{**}	۰/۳۶۲ ^{**}	۰/۲۵۸ ^{**}	۰/۳۰۷ ^{**}	-

$$0.05 > P^* \text{ و } 0.01 > P^{**}$$

جدول ۲ ضرایب همبستگی بین مؤلفه های متغیرهای پژوهش حاضر را نشان می دهد. بین مؤلفه های سلامت روان تنها مؤلفه اضطراب و بی خوابی به صورت مثبت و در سطح معناداری ۰/۰۱ با بی ثباتی در ازدواج همبسته بود. از بین مؤلفه های خودپنداره جنسی خودکارآمدی و طرحواره به صورت منفی و در سطح ۰/۰۱ و هشیاری به صورت منفی در سطح ۰/۰۵ با بی ثباتی در ازدواج همبسته بودند. لازم به توضیح است که با توجه به این که در پرسشنامه های مورد استفاده برای سنجش سلامت روان نمرات بالاتر نشانگر وضعیت نامناسب سلامت روان فرد است. از بین الگوی های ارتباطی، ارتباط سازنده متقابل به صورت منفی و ارتباط توقع/کناره گیر و ارتباط اجتناب متقابل به صورت مثبت و در سطح معناداری ۰/۰۱ با بی ثباتی در ازدواج همبسته بودند. جدول ۳ مقادیر کشیدگی و چولگی همه متغیرهای تحقیق و عامل تورم واریانس^۱ (VIF) و ضریب تحمل^۲ متغیرهای پیش بین را نشان می دهد.

جدول ۳- کشیدگی، چولگی، عامل تورم واریانس و ضریب تحمل متغیرهای پژوهش

متغیر	چولگی	کشیدگی	ضریب تحمل	تورم واریانس (VIF)
سلامت روان - علائم جسمانی	۰/۳۸۲	۰/۳۰۱	۰/۶۴۷	۱/۵۴۵
سلامت روان - اضطراب و اختلال خواب	۰/۰۷۹	۰/۴۳۴	۰/۴۹۰	۲/۰۴۲
سلامت روان - کارکرد اجتماعی	۰/۵۰۰	۰/۲۲۸	۰/۶۳۷	۱/۵۷۱
سلامت روان - افسردگی	۰/۵۹۳	۰/۰۶۰	۰/۶۵۳	۱/۵۳۰
خودپنداره جنسی - خودکارآمدی	۰/۱۲۶	۰/۵۰۳	۰/۵۰۸	۱/۹۶۷
خودپنداره جنسی - هشیاری	۰/۰۶۳	۰/۷۲۴	۰/۵۹۲	۱/۶۸۹
خودپنداره جنسی - عزت نفس	۰/۴۹۱	۰/۴۴۸	۰/۵۰۵	۱/۹۷۹
خودپنداره جنسی - طرحواره	۰/۰۸۸	۰/۰۸۹	۰/۵۲۸	۱/۸۹۴
الگوی ارتباطی - کناره گیری/توقع	۰/۵۶۸	۰/۳۲۴	۰/۷۸۴	۱/۲۷۵

¹ variance inflation factor

² tolerance



جدول ۳- کشیدگی، چولگی، عامل تورم واریانس و ضریب تحمل متغیرهای پژوهش

متغیر	چولگی	کشیدگی	ضریب تحمل	تورم واریانس (VIF)
الگوی ارتباطی - اجتناب متقابل	-۰/۷۹۷	۰/۳۳۵	۰/۶۸۴	۱/۴۶۱
الگوی ارتباطی - ارتباط سازنده	۰/۷۹۴	۰/۹۶۸	۰/۷۴۳	۱/۳۴۶
بی‌ثباتی در ازدواج	۰/۳۳۵	۰/۳۲۳	متغیر ملاک	متغیر ملاک

منطبق بر دیدگاه کلاین (۲۰۱۶) ارزیابی شاخص‌های کشیدگی و چولگی در جدول ۳ نشان می‌دهد که توزیع داده‌های تک متغیری در پژوهش حاضر نرمال است، زیرا که شاخص‌های مربوط به چولگی و کشیدگی هیچ کدام از متغیرهای پژوهش خارج از محدود ۲ ± نیست. همچنین ارزیابی مقادیر ضریب تحمل و تورم واریانس نشان می‌دهد که مفروضه هم خطی بودن در بین متغیرهای پیش بین برقرار است. زیرا که ضریب تحمل و تورم واریانس متغیرهای پیش بین به ترتیب بزرگتر از ۰/۱ و کوچک تر از ۱۰ بود. جدول ۴ برآورد پارامتر استاندارد نشده^۱، پارامتر استاندارد شده^۲، خطای استاندارد و نسبت بحرانی را برای هر یک از نشانگرهای متغیرهای مکنون حل خودپنداره جنسی، سلامت روان و الگوی ارتباطی ناکارآمد را نشان می‌دهد.

جدول ۴ - پارامترهای مدل اندازه‌گیری پژوهش در تحلیل عاملی تأییدی

متغیرهای مکنون - نشان‌گر	B	B	SE	C.R
سلامت روان - افسردگی	۱	۰/۵۸۶		
سلامت روان - کارکرد اجتماعی	۰/۹۳۵	۰/۶۲۲	۰/۱۲۶	۷/۴۳**
سلامت روان - اضطراب و اختلال خواب	۱/۲۰۲	۰/۸۳۹	۰/۱۵۰	۸/۰۳**
سلامت روان - علائم جسمانی	۰/۸۹۱	۰/۵۶۱	۰/۱۲۹	۶/۹۲**
خودپنداره جنسی - طرحواره	۱	۰/۶۸۵		
خودپنداره جنسی - عزت نفس	۰/۳۸۴	۰/۶۱۱	۰/۰۴۶	۸/۳۳**
خودپنداره جنسی - هشیاری	۰/۳۸۵	۰/۶۷۲	۰/۰۴۳	۹/۰۱**
خودپنداره جنسی - خودکارآمدی	۰/۶۲۷	۰/۸۱۲	۰/۰۶۳	۱۰/۰۲**
الگوی ارتباطی ناکارآمد - کناره‌گیری / توقع	۱	۰/۵۸۵		
الگوی ارتباطی ناکارآمد - اجتناب متقابل	۰/۸۴۸	۰/۵۶۷	۰/۱۶۴	۵/۱۷**

$P < ۰/۰۱$

نکته: بارهای عاملی استاندارد نشده مربوط به سه نشانگر افسردگی، طرحواره و ارتباط توقع/کناره‌گیر با عدد ۱ تثبت شده، بنابراین خطای استاندارد و نسبت بحرانی آنها محاسبه نشده است. جدول ۴ نشان می‌دهد که بارهای عاملی استاندارد همه نشانگرها بالاتر از ۰/۳۲ است. طبق دیدگاه تاباچینک و فیدل (۲۰۱۳)، بارهای عاملی پایین تر از ۰/۳۲ ضعیف محسوب شده و می‌توان گفت چنین نشانگرهایی از توان لازم برای سنجش متغیر مکنون خود برخوردار نیستند. براساس جدول ۴ بالاترین بار عاملی متعلق به نشانگر اضطراب و اختلال خواب ($\beta=۰/۸۳۹$) و پایین ترین بار عاملی متعلق به نشانگر علائم جسمانی ($\beta=۰/۵۶۱$) است. با استناد به نتایج جدول ۴ می‌توان گفت همه نشانگرها از قابلیت لازم برای اندازه‌گیری متغیرهای مکنون خود برخوردارند. پس از ارزیابی مدل اندازه‌گیری پژوهش با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری مورد آزمون قرار گرفت. بررسی شاخص‌های برازندگی حاصل از آزمون مدل ساختاری پژوهش نشان داد که مدل ساختاری به صورت قابل قبول با داده‌های گردآوری شده برازش دارد. بدین ترتیب چنین نتیجه‌گیری شد که مدل ساختاری پژوهش که در آن فرض شده متغیرهای مکنون خودپنداره جنسی و سلامت روان هم به واسطه الگوهای ارتباطی با بی‌ثباتی در ازدواج رابطه دارد، با داده‌های گردآوری شده برازش دارد.

¹ unstandardized parameters

² standardized parameters



جدول ۵- مقادیر شاخص‌های برازش مدل ساختاری

χ^2	AGFI	GFI	RMSEA	CFI
۱۲۱/۷۳	۰/۹۱۳	۰/۹۴۲	۰/۰۶۹	۰/۹۳۲

P < ۰.۰۱

جدول ۶- ضرایب مسیر کل و مستقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل ساختاری

سطح معناداری	B	S.E	b	مسیرها
۰/۰۰۱	-۰/۲۹۶	۰/۰۵۴	-۰/۱۶۶	خودپنداره جنسی ← بی‌ثباتی در ازدواج
۰/۲۰۹	۰/۱۲۳	۰/۳۰۲	۰/۳۵۴	سلامت روان ← بی‌ثباتی در ازدواج
۰/۶۹۲	۰/۰۷۶	۰/۱۸۴	۰/۰۴۳	خودپنداره جنسی ← بی‌ثباتی در ازدواج
۰/۳۶۷	-۰/۰۹۸	۰/۵۱۵	-۰/۲۸۲	سلامت روان ← بی‌ثباتی در ازدواج
۰/۰۰۱	-۰/۶۱۹	۰/۰۴۲	-۰/۲۰۴	خودپنداره جنسی ← الگوی ارتباطی ناکارآمد
۰/۰۰۹	۰/۳۱۷	۰/۲۴۵	۰/۵۳۶	سلامت روان ← الگوی ارتباطی ناکارآمد
۰/۰۰۲	۰/۳۰۰	۰/۰۳۸	۰/۱۲۷	خودپنداره جنسی ← الگوی ارتباطی سازنده
۰/۰۰۱	-۰/۲۷۴	۰/۱۹۶	-۰/۵۹۹	سلامت روان ← الگوی ارتباطی سازنده
۰/۰۰۶	۰/۴۸۱	۰/۳۰۲	۰/۸۲۱	الگوی ارتباطی ناکارآمد ← بی‌ثباتی در ازدواج
۰/۰۰۱	-۰/۲۴۸	۰/۰۸۸	-۰/۳۲۸	الگوی ارتباطی سازنده ← بی‌ثباتی در ازدواج
۰/۰۰۴	-۰/۳۷۲	۰/۱۸۵	-۰/۲۰۹	خودپنداره جنسی ← بی‌ثباتی در ازدواج
۰/۰۰۵	۰/۲۲۱	۰/۴۹۴	۰/۶۳۶	سلامت روان ← بی‌ثباتی در ازدواج

طبق جدول ۶، ضریب مسیر کل (مجموع ضرایب مسیر مستقیم و غیر مستقیم) بین سلامت روان و بی‌ثباتی در ازدواج در سطح ۰/۰۵ غیر معنادار است ($\beta=۰/۱۲۳$ ، $P > ۰/۰۵$). ضریب مسیر کل (مجموع ضرایب مسیر مستقیم و غیر مستقیم) بین خودپنداره جنسی و بی‌ثباتی در ازدواج منفی و در سطح ۰/۰۱ معنادار است ($\beta=۰/۲۹۶$ ، $P < ۰/۰۱$). ضریب مسیر الگوی ارتباطی ناکارآمد و بی‌ثباتی در ازدواج مثبت و در سطح ۰/۰۱ معنادار است ($\beta=۰/۴۸۱$ ، $P < ۰/۰۱$). همچنین ضریب مسیر الگوی ارتباطی سازنده و بی‌ثباتی در ازدواج منفی و در سطح ۰/۰۱ معنادار بود ($\beta=-۰/۲۴۸$ ، $P < ۰/۰۱$). ضریب مسیر غیر مستقیم بین سلامت روان و بی‌ثباتی در ازدواج مثبت و در سطح ۰/۰۵ معنادار است ($\beta=۰/۲۲۱$ ، $P < ۰/۰۵$).

در مدل ساختاری پژوهش حاضر دو میانجی الگوی ارتباطی سازنده و الگوی ارتباطی متوقع/کناره‌گیر و اجتنابی (ناکارآمد) وجود دارد. پژوهشگر به منظور ارزیابی نقش منحصر به فرد هر یک از الگوهای ارتباطی فرمول بارون و کنی^۱، ۱۹۸۶، و همکاران^۲، ۲۰۰۶ استفاده نمود. جدول ۷ معناداری یا عدم معناداری نقش هر یک از دو میانجی الگوی ارتباطی سازنده و الگوی ارتباطی ناکارآمد را در رابطه بین سلامت روان و بی‌ثباتی در ازدواج نشان می‌دهد.

^۱ -Baron and Kenny

^۲ -Mallinckrodt et al



جدول ۷ آزمون معناداری نقش دو میانجی گر الگوی ارتباطی سازنده و الگوی ارتباطی ناکارآمد در رابطه بین سلامت روان و بی ثباتی ازدواج

مسیرها	$a*b$	SE_{ab}	β_{ab}	Z
سلامت روان ← الگوی ارتباطی سازنده ← بی ثباتی ازدواج	۰/۱۹۶	۰/۰۹۲	۰/۰۶۸	۲/۱۳۰*
سلامت روان ← الگوی ارتباطی ناکارآمد ← بی ثباتی ازدواج	۰/۴۴۰	۰/۳۲۷	۰/۱۵۳	۱/۳۴۵

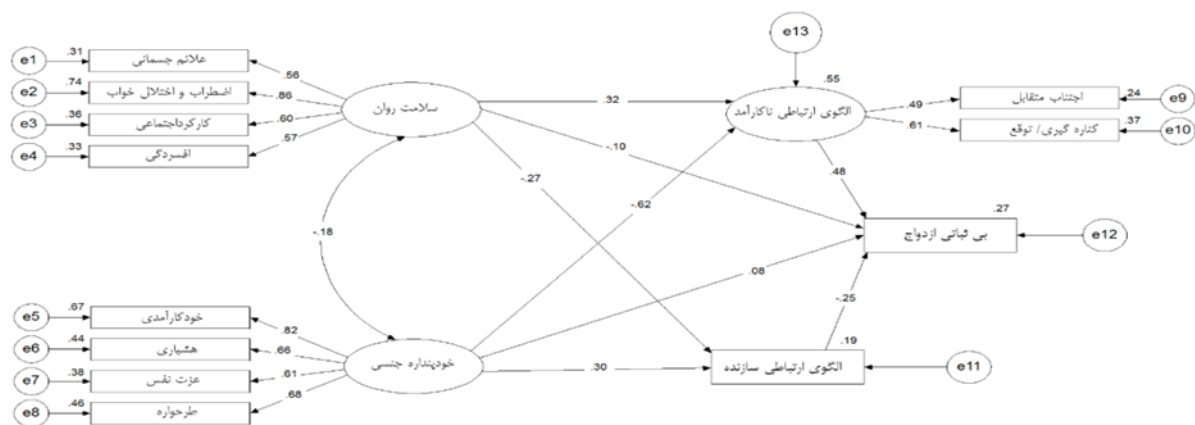
نکته: $a*b$ و SE_{ab} به ترتیب ضریب مسیر و خطای استاندارد غیر مستقیم β_{ab} ضریب مسیر غیر مستقیم بین متغیرهاست. الگوی ارتباطی سازنده بر خلاف الگوی ارتباط ناکارآمد به صورت معنادار رابطه بین سلامت روان و بی ثباتی ازدواج را میانجیگری می کند ($\beta_{ab}=0/068, P < 0/05$).

در جدول ۶ ضریب مسیر غیر مستقیم بین خودپنداره جنسی و بی ثباتی ازدواج مثبت و در سطح $0/1$ معنادار است ($0/1 < P = 0/372$). جدول ۸ معناداری یا عدم معناداری نقش هر یک از دو میانجی الگوی ارتباطی سازنده و الگوی ارتباطی ناکارآمد را در رابطه بین خودپنداره جنسی و بی ثباتی ازدواج نشان می دهد.

جدول ۸ آزمون معناداری نقش دو میانجی گر الگوی ارتباطی سازنده و الگوی ارتباطی ناکارآمد در رابطه بین خودپنداره جنسی و بی ثباتی ازدواج

مسیرها	$a*b$	SE_{ab}	β_{ab}	Z
خودپنداره جنسی ← الگوی ارتباطی سازنده ← بی ثباتی ازدواج	-۰/۰۴۲	۰/۰۱۹	-۰/۰۷۴	-۲/۱۱*
خودپنداره جنسی ← الگوی ارتباطی ناکارآمد ← بی ثباتی ازدواج	-۰/۱۶۷	۰/۰۵۱	-۰/۳۹۸	-۳/۲۷*

نکته: $a*b$ و SE_{ab} به ترتیب ضریب مسیر و خطای استاندارد غیر مستقیم $ab\beta$ ضریب مسیر غیر مستقیم بین متغیرهاست. الگوی ارتباطی سازنده ($074/0 = ab\beta, P < 0/05$) و الگوی ارتباط ناکارآمد ($298/0 = -ab\beta, P < 0/05$) به صورت معنادار رابطه بین خودپنداره جنسی و بی ثباتی ازدواج را میانجیگری می کند. شکل ۱، مدل ساختاری پژوهش در تبیین روابط بین سلامت روان، خودپنداره جنسی و بی ثباتی ازدواج با نقش میانجی گری الگوهای ارتباطی را نشان می دهد.



شکل ۱: روابط بین خودپنداره جنسی، سلامت روان و بی ثباتی در ازدواج با نقش واسطه گری الگوهای ارتباطی

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه سلامت روان، خودپنداره جنسی و نقش الگوهای ارتباطی با بی ثباتی در ازدواج بود. طبق یافته های پژوهش، نتایج حاصل از همبستگی پیرسون نشان داد بین مؤلفه های سلامت روان، مؤلفه اضطراب و بی خوابی



بصورت مثبت با بی‌ثباتی در ازدواج همبسته بود. برای سنجش سلامت روان نمرات بالاتر نشانگر وضعیت نامناسب سلامت روان فرد است. از بین مؤلفه‌های خودپنداره جنسی خودکارآمدی و طرحواره و هشیاری به صورت منفی و معنادار با بی‌ثباتی در ازدواج همبسته بودند. از بین الگوی‌های ارتباطی، ارتباط سازنده متقابل به صورت منفی و ارتباط توقع/کناره‌گیر و ارتباط اجتناب متقابل (ناکارآمد) به صورت مثبت با بی‌ثباتی در ازدواج همبسته بودند. این روابط بین متغیرها را می‌توان این گونه تبیین نمود که متغیرهای سلامت روان، خودپنداره جنسی و الگوهای ارتباطی در بی‌ثباتی ازدواج نقش دارند. به عبارتی سلامت روان به طور غیر مستقیم از طریق الگوی ارتباطی سازنده پیش‌بینی کننده بی‌ثباتی ازدواج است با توجه به تحقیقات زمانی و همکاران، با تغییرات فرهنگی و اجتماعی که رخ داده مؤلفه‌های سلامت روان در همه افراد وجود دارد. اضطراب و افسردگی با توجه به سبک زندگی پست مدرن در همه جوامع دیده می‌شود و کارکردهای اجتماعی و سلامت جسمی افراد را به خطر می‌اندازد. و خودپنداره جنسی هم به صورت مستقیم و هم بصورت غیرمستقیم می‌تواند از طریق الگوی ارتباطی ناکارآمد و سازنده پیش‌بینی کننده بی‌ثباتی ازدواج باشد. اغلب شواهد با یافته‌های پژوهش حاضر همسو هستند. به عنوان مثال روستوسکی، گالیهر، ولش^۱ و همکاران ۲۰۰۸؛ مک‌کابی، تانر و هیمن^۲ ۲۰۱۰؛ هنسل و هیدر بلانت ۲۰۱۳؛ از جمله این پژوهش‌ها هستند.

در تبیین یافته‌ها، می‌توان گفت بر طبق این پژوهش سلامت روان به طور مستقیم پیش‌بینی کننده بی‌ثباتی نمی‌تواند باشد و از بین مؤلفه‌های سلامت روان اضطراب و بی‌خوابی تاثیر بیشتری بر بی‌ثباتی ازدواج دارد و به طور کلی با افزایش اضطراب در زوجین، میل به طلاق در زوجین افزایش می‌یابد. با توجه به پژوهشی که با هدف ارزیابی ارتباط بین سلامت روان و رضایت زناشویی در دانشجویان مرد متأهل صورت گرفته است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین رضایت زناشویی دانشجویان و علائم جسمی، اضطراب، عملکرد اجتماعی، افسردگی است (ریاحی، خاجدین و ایزدی، ۲۰۱۷). طبق پژوهش انجام شده توسط ولینت^۳ (۲۰۱۲)، سلامت روان، با بهبود ارتباطات بین فردی و عملکرد بهتر فرد در جنبه‌های مختلف زندگی همراه است. و می‌تواند تحت تاثیر منفی یا مثبت کیفیت زندگی زناشویی قرار گیرد. در تبیین دیگری می‌توان نتیجه گرفت هر چه مؤلفه‌های خودکارآمدی، هشیاری جنسی، طرحواره جنسی بیشتر باشد بی‌ثباتی در ازدواج کمتر می‌شود. هر چقدر خودکارآمدی جنسی بیشتر و قوی تر باشد، زوجین رفتار خاصی را در یک شرایط خاص شکل می‌دهند. طرحواره و هشیاری ضعیف باعث بی‌ثباتی در ازدواج و میل به طلاق در افراد می‌شود. و می‌توان اینگونه استنباط کرد، افرادی که احساس تنش، نگرانی و عدم دانش و آگاهی از جنبه‌های جنسی زندگی شان را دارند، احساس همیشگی بیقراری در مورد مسائل جنسی دارند. طرحواره جنسی که خود چارچوب شناختی هر فرد که فرایندهای شناختی وی در مورد جنبه‌های جنسی زندگی را هدایت کرده وارگانیزه می‌کند نیز رابطه‌ی مثبتی بر صمیمیت در زنان این پژوهش داشته است، شناخت جنبه‌های جنسی خود، شناخت افکار، نگرش‌ها، اعمال و احساسات جنسی به رضایت جنسی بالاتر منجر می‌شود. هر چه این خودپنداره جنسی در فرد افزایش یابد میزان صمیمیت زناشویی نیز افزایش می‌یابد. اما طبق یافته‌های پیشین توسط هیدر بلانت^۴ (۲۰۱۴) نشان می‌دهد که خودپنداره جنسی به طور مستقیم با الگوهای ارتباطی و رضایت زوجین تأثیر داشته است. ارتباط با همسر با اختلافات پایین تر بین تقاضا و فعالیت جنسی تجربه شده مرتبط بوده است. طبق پژوهشهای قبلی بسیاری از مطالعات نشان می‌دهد که زوج‌ها به طور پنهانی تعارضاتی پیرامون مسائل جنسی دارند، اما آن را به عنوان یک راز تلقی کرده و از بیان آن و صحبت کردن درباره آن اجتناب می‌کنند و همین امر باعث می‌شود این مشکلات و تعارضات حل نشده در میان زوجین باقی بماند و صمیمیت و شور و نشاط زندگی زناشویی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد (کرو،^۵ ۲۰۰۷). در

¹ Rostosky, Galliher & Welsh

² McCabe, Tanner & Heiman

³ Vaillant

⁴ Heather Blunt

⁵ Crowe



تبیین پژوهش الگوی ارتباطی سازنده، پیش بینی کننده بی ثباتی ازدواج است و با توجه به نتایج پژوهش افرادی که افسردگی یا اضطراب دارند بر روی الگوهای ارتباطی آن‌ها تأثیر منفی می‌گذارد و می‌تواند الگوهای ناکارآمد بیشتری را ایجاد کرده و الگوی ارتباطی سازنده کمتر در بین زوجین دیده شود. کارکردهای اجتماعی ضعیف زوجین هم الگوهای ارتباطی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. و در نهایت به خاطر عدم الگوهای سازنده در زوجین و وجود الگوهای ناکارآمد قوی تر، بی ثباتی ازدواج اتفاق می‌افتد. از جمله پژوهش‌هایی که با این پژوهش می‌تواند همسو باشد، پژوهش‌های انجام شده توسط لایونر و دیگران (۲۰۱۶) بوده، زوجین آشفتگی، رفتارهای ارتباطی منفی و ناکارآمد بیشتر و رفتارهای مثبت و کارآمد کمتری را نشان داده‌اند. تعارض زناشویی و بی ثباتی ازدواج پیامدی از الگوهای ارتباطی ضعیف است، زیرا روابط ضعیف ریشه آشفتگی‌های زناشویی به ویژه شامل مؤلفه‌های سلامت روان می‌باشد. این پژوهش با نتایج پژوهش ساکمار^۱ (۲۰۱۰)، همسو بوده است و نشان می‌دهد که الگوی ارتباطی سازنده، رضایتمندی و خشنودی زناشویی رابطه را افزایش می‌دهد. زوجینی که الگوی ارتباطی رایج آنها سازنده است، هر کدام سعی می‌کنند در مورد مشکل ارتباطی خود بحث و گفتگو کنند، احساساتشان را نسبت به هم ابراز نمایند، برای مشکل ارتباطی پیشنهاد راه حل و مذاکره بدهند، هر دو احساس می‌کنند که همدیگر را درک می‌کنند و این روند ارتباطی باعث افزایش رضایتمندی و خشنودی آنها از ارتباط می‌شود. پژوهش‌های دیگری نشان داده است که ارتباط زناشویی کارآمد پیش بینی کننده قوی کیفیت زناشویی است و در مقابل ارتباط زناشویی ناکارآمد سرچشمه عمده‌ی نارضایتی است. هر چند در مورد رابطه الگوهای ارتباطی، خودپنداره جنسی با بی ثباتی ازدواج پژوهش‌هایی انجام نشده است. از محدودیت این پژوهش می‌توان به روش نمونه‌گیری که به صورت در دسترس انتخاب شد اشاره کرد. در پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود که از روش‌های میدانی، آزمایشی و مداخله‌ای برای سنجش متغیرها استفاده شود و همچنین از سایر متغیرهای خودپنداره جنسی برای ارزیابی زوجین بکار برده شود.

منابع

- اسدی، مسعود؛ نظری، علی محمد؛ شکویی، زینب و سعادت، روح الله (۱۳۹۳). رابطه ابعاد سلامت روان و رضایت شغلی در بین معلمان زن و مرد، زن و مطالعات خانواده، دوره ۷، شماره ۲۵، ص ۲۷.
- ایزدی، زهرا (۱۳۹۱). مقایسه ویژگی‌های شخصیتی، سلامت روانی با رضایت زناشویی زوجین مراجعه کننده به مرکز مشاوره نیروی انتظامی فارس، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- بشارت، محمد علی؛ فرهمند، هادی و ابراهیمی، فاطمه (۱۳۹۹). رابطه بین ابعاد کمال گرایی و نشانه‌های افسردگی و اضطراب: نقش واسطه‌ای دشواری تنظیم هیجان، مجله رویش روانشناسی، دوره ۹، شماره ۷، ص ۲.
- رضایی، م. آ.، قائم مقامی، آ.، طلاکار، م.، سعادت، س.، زمانی، ا.، شمس، ج و معادی، س (۱۳۹۱). ارزیابی و روایی پرسشنامه چند وجهی خودپنداره جنسی در جمعیت ایران، مجله طب نظامی، دوره ۴، شماره ۴، ص ۳۰۲ - ۳۰۹.
- زاهد پاکدل، هدی (۱۳۹۴). هوش معنوی، تعهد زناشویی و بی ثباتی ازدواج در زوج‌ها. روانشناسی معاصر، شماره ۱۰، ص ۷۳۰-۷۳۳.
- عبادت پور، ب (۱۳۷۹). اعتباریابی پرسش‌نامه الگوهای ارتباطی، پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم تهران، ص ۲۷.
- مرتضوی، مهناز (۱۳۸۸). رابطه رضایت جنسی، سلامت عمومی و رضایت زناشویی در زوجین، فصلنامه روانشناسی کاربردی، دوره ۳، شماره ۴، زمستان ۸۸، ص ۷۳-۸۵.
- هوشمند، زهرا (۱۳۹۴). رابطه ویژگی‌های شخصیتی و خودپنداره جنسی با صمیمیت زناشویی در افراد متأهل، پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره و خانواده. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

¹ Sakmar



یاری پور، ع (۱۳۷۹). بررسی تأثیر طرح مداخلات مشاوره خانواده بر میزان ثبت طلاق در محاکم دادگستری شهر قم. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن.

- Beth, A. V., Julian, B., Anthony, F. B & Michael, C.A. (2010). Psychology, sexual behavior and self-esteem, it's different for girls. *Journal personality and individual differences*, (48), 833-838.
- Christensen, A. (2017). Integrative behavioral couple therapy current opinion in psychology, (13), 23-27.
- Crowe, M. (2007). «Managing couple relationship and individual psychological problems in psychosexual therapy». *The Journal of Sexual Disorder and Psychosexual Therapy*, 6 (3), 95-98.
- Deylami, N., Aishah Hassan, S. (2017). Multiple Mediated effect of Adult Attachment style on Association between Acquired skills from Gottman's intervention on Marital communication patterns. *International Journal of Academic Research in Business and social sciences*.30-45.
- Dragatis, L. R., Rickels, K., & Roch, AF. (1984). The scl-90 and The MMPI (71): As In The validation of a new self-report scare. *Br.J psychology*; 129: 280-289.
- Edwards, J. N., Johnson, D. R, and Booth, A. (1987). A prognostic instrument of marital breakup, *family relations*, 36, 168-170.
- Esere, M; Akanni, O; Iruloh, B. (2017). Bullying, Self-Disclosure and Sexual Incompatibility as Correlates of Marital Instability among Newly Married Adults in Nigeria. *KIU Journal of social science*, 3(1): 67-74.
- Goldberg, D. P., & Hiller, V. F. (1979). A scaled version of the Goldberg & Hillier Questionnaire. *Psychological Medicine*, 9, 139-145
- Gottman, G.M. & Levenson, R.W. (2000). The timing of divorce. Predicting When Couple Will divorce over a Year Period. *Journal of Marriage and the family*, 62,737-745.
- Hahlwog, K., & Richter. D. (2010). Prevention of marital instability and distress. Result of an 11-year longitudinal follow-up study. *Journal of behavior research Therapy*, (48), 377-383.
- Heather D., Blunt. (2013). A study of sexual self-concept, partner communication, and sexual satisfaction. the degree of Doctor of Philosophy, Department of Community and Family Health College of Public Health University of South Florida, UMI 3519435.
- Lavners, J, A, Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2016). Does couple's communication predict Marital satisfaction?, or Does Marital satisfaction predict communication? *Journal of marriage and family*, 78(3), 680-694.
- Mallinckrodt, B., Abraham, W.T., Wei, M., Russell, D.W (2006). Advances in Testing the Statistical Significance of Mediation Effects. *Journal of Counseling Psychology*, 53(3), 372-378.
- McCabe, J., Tanner, A. E., & Heiman, J. R. (2010). The impact of gender expectations on meanings of sex and sexuality: Results from a cognitive interview study. *Sex Roles*, 62, 252-263. doi:10.1007/ s11199-009-9723-4.
- Pelian, Ch., Norman, B., Fang, X. L., Debbie, O. B., Li., Y. (2013). Similarity of relationship standards, couples communication pattern , and marital satisfaction among Chinese couple. *Journal of family psychology*, 27(3), 806-816.



- Riahi, F., Khajeddin, N., Izadi-Mazidi, L. (2017). Evaluation of Relationship Between Mental Health and Marital Satisfaction in Male Married Students. *Jentashapir J Health Res.* 2017 February; 8(1).
- Rostosky, s. s., Galliher, R. V., Welsh, D. P., & kawaguchi, M. C. (2008). Sexual behaviors and relationship qualities in late adolescent couples. *Journal of Adolescence* 23, 583-597.
- Sakmar, E. (2010). The Predictive Role Of Communication On Relationship Satisfaction in Married Individuals With And Without Children And In Cohabiting Individuals: The Moderating Role Of Sexual Satisfaction. Thesis for MS. 102-120.
- Settir, V. (2012). People making in family psychology 6th ed. Translated by Birashk, B. Tehran: Roshd publication. (Persian).
- Shahvary. Z., Gholizade. L, & Hoseiny.M. (2010). Determination of some related factor on women sexual satisfaction, Gachsaran south- west of Iran article in persian. *Journal of constructivist psychology*, 23, 295-320.
- Shiffert, A., & Schwarz, B. (2011). Spouses' demand and withdrawal during marital conflict in relation to well being. *Journal of social and personal relationships*, 26(2): 262-277.
- Vaillant, GE. (2012). Positive mental health: is there a cross-cultural definition? *World Psychiatry*, 11(2), 93-9.
- Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S. (2013). *Using multivariate statistics* (5 th ed.). Boston: Allyn and Bacon.
- Vaillant, GE. (2012). Positive mental health: is there a cross-cultural definition? *World Psychiatry*, 11(2), 93-9.
- Wolfinger ,N.,H. (2015). *Understanding the Divorce Cycle: the Children of Divorce in their own Marriages*. Oxford: university Press.
- Zamani, N., M. Habibi, and M. Darvishi. (2015). 'Compare the Effectiveness of Dialectical Behavior Therapy and Cognitive Behavioral Group Therapy in Reducing Depression in Mothers of Children with Disabilities', *Arak Medical University Journal (AMUJ)*, 18.

فصلنامه ایده‌های نوین

روانشناسی



دوره ۹، شماره ۱۳، تابستان سال ۱۴۰۰